

در حضور ۱۰۰۰: تبدیل شدن به بهترین نسخه از خود

با جفری میشلو

متن فیلم - نواندیشی مجاز با جفری میشلو

www.newthinkingallowed.org

در تاریخ 28 فوریه 2018 ثبت شده است

در تاریخ 2 مارس 2018 در یوتیوب منتشر شده است

Copyright © 2020, New Thinking Allowed Foundation

(00:33)

سلام. من جفری میشلو هستم و در حال حاضر یک سری جدید را در کانال ویدیویی نواندیشی مجاز در یوتیوب افتتاح می‌کنم. من این سری جدید را "در حضور" می‌نامم. این در مورد راهی باز کردن به جادوی لحظه حاضر است، حضور در اعماق درون خود است که شما را به بالاترین مرحله از زندگی خودتان رهنمون می‌کند، تا به بهترین نسخه از خودتان تبدیل شوید. با نامگذاری آن "در حضور"، من می‌خواهم مهر تاییدی به گروه 100 رهبر، رهبران فکر در حوزه شهود بزمن، زیرا من یک فهرست بحث و گفتگو را با نام "در حضور" برای ربع قرن گذشته میزبانی کرده‌ام. برای مدت طولانی فرصت بسیار خوبی داشتم که با نویسندگان، مشاوران بصیر، روانشناسان، هنرمندان، خلاقان عرصه‌ی تصویر و محققان در این زمینه ارتباط برقرار کنم

(01:42)

من همچنین دوست دارم که صحبت خود را در مورد آنچه که برای من در ارتباط با سرنوشت خودم معنی داشته شروع کنم. من فکر می‌کنم، به نوعی، این لحظه برقراری ارتباط، اشتراک‌گذاری از قلب من، و امیدوارم از قلب من به قلب شما، نمونه‌ای باشد از آنچه که من در مورد آن صحبت می‌کنم

(02:05)

من می‌خواهم برای شما لحظه‌ای را توصیف کنم که در زندگی من بسیار مهم بود و باعث تغییر کل زندگی من شد. من در آن زمان در عنوان بیست سالگی بودم، تازه فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جرم‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا شدم. من در عذاب بودم، زیرا واقعاً می‌خواستم به سمت مثبت اختلالات انسانی توجه کنم. در عوض، من در بخش روانپزشکی زندان سن کوننتین با قاتلان و متجاوزان کار می‌کردم. در حالی که این برای من مباحث زیادی را آشکار می‌کرد و من از داشتن چنین تجربه‌ای قدردان هستم، این کاری نبود که می‌خواستم انجام دهم. من می‌دانستم که عمیق‌ترین آرزوی من این بود که به روانشناسی، شهودگرایی، عرفا، به روی آنچه که ما به آن مخفی می‌گوییم و جنبه‌های پنهان زندگی است توجه کنم. آنها بسیار پنهان بودند، گویی شما نمی‌توانید آنها را در دانشگاه برکلی کالیفرنیا دنبال کنید. راهی نبود و در اکثر دانشگاه‌ها نیز چنین بود، متأسفانه تا به امروز هم چنین است. بنابراین تا ماهها در عذاب بودم

(03:22)

می دانید ، فکر می کنم تمایل من برای عذاب کشیدن در این ماهها مهم بود. این مانند فرآیندی است که در آن دچار تنش می شوید ، مشوش می شوید ، مشوش می شوید و بعد می توانید آرام بگیرید و وارد یک وضعیت جدید شوید زیرا تنش داشته اید. این رویه به نام آرامش جاکوبسونی شناخته شده. که مشوش می شوید و سپس آرام می گیرید

(03:51)

بنابراین ، پس از ماهها چنین مشوش بودن ، این بینش را داشتیم که یک جواب در خواب به من می رسد. و در واقع ، آن شب یک رویا داشتم ، روزی که می دانستم رویایی خواهم داشت. خواب دیدم که به دیدار برخی از دوستانم در برکلی ، جایی که در آن زمان زندگی می کردم ، می روم و به درب آپارتمان دانشجویی کوچک آنها زدم. هیچ کس جواب نداد ، بنابراین من کلید را پیدا کردم ، به خودم اجازه دادم وارد اتاق نشیمن آنها شوم و یک مجله را دیدم که در وسط طبقه اتاق نشیمن آنها افتاده است. این مجله در خواب من "چشم" نام داشت. من در حال ورق زدن مجله بودم ، وقتی با چنین هیجانی از خواب بیدار شدم احساس کردم گویی اوه وای ، اکنون پاسخ آن را دارم. اما ، من هیچ سرخی برای اینکه پاسخ چه بود نداشتم

(04:46)

بنابراین ، من کفش های تنیس خود را پوشیدم ، این برای روزهایی است قبل از آن که به ورزش دو بپردازم ، من کفش های تنیس را پوشیدم و حدود چهار مایل به سمت مسکن دانشجویان متاهل برکلی دویدم ، به درب این آپارتمان کوبیدم ، هیچکس کس جواب نداد. من بر حسب اتفاق می دانستم که آنها یک کلید زیر پادری نگه داشته اند. بنابراین ، به خودم اجازه دادم که وارد شوم ، در وسط اتاق نشیمن آنها یک مجله دیدم. در اینجا مثال جالبی از تحریف رویاها وجود دارد - نام مجله چشم نبود ، تمرکز بود. کمی متفاوت و این به معنای واقعی کلمه به زندگی من تمرکز آورد

(05:25)

رادیو و تلویزیون "کی کیو ای دی" رسانه ای با حمایت مالی شنوندگان در منطقه خلیج سانفرانسیسکو بود. در آن لحظه ، تصمیمی گرفتم که رسانه را به عنوان راهی برای دستیابی به حرفه مورد نظر خود دنبال می کنم. و در آن زمان ، می توانم به شما بگویم ، من رادیو نداشتم. من تلویزیون نداشتم. حتی بیشتر ، من به رادیو یا تلویزیون اعتقادی نداشتم. تا آنجا که مد نظر من بود ، به عنوان یک هیپی قدبلندی از برکلی ، تنها ابزار معتبر تعامل انسان ها به صورت چهره به چهره بود. رسانه های الکترونیکی ، از هر نظر نامعقول بودند

(06:09)

اما من نظر خود را تغییر دادم. من به طور داوطلبانه به رادیو کی کیو ای پی اف ای رادیو پاسیفیکا-رادیو غیرانتفاعی در برکلی که در آن زندگی می کردم رفتم. با وجود داشتن مدرک فوق لیسانس ، خوشحال شدم که پیشنهاد آنها را برای کار بر میزی را بپذیرم که به افرادی منتقاضی اجازه ورود می داد. بعد از چند هفته انجام این کار ، من یاد گرفتم که چگونه برنامه رادیویی هم بگذارم. من با تعدادی از دوستانم ، روانشناسان محلی مصاحبه کردم و برنامه ای داشتم راجع به اینکه شما لازم نیست مشهور باشید و از ما بهتران که فرا روحی-روانی باشید. آن مردم تجربه هایی فرا روحی-روانی داشتند

(06:55)

مدیر کی کیو ای-کارهایی را که من انجام داده بودم دوست داشت و گفت: خوب ، ما یک زمان برای شما داریم. شما می توانید هر سه شنبه و پنجشنبه یک برنامه منظم داشته باشید به نام "گوش ذهن". به طور ناگهانی ، من خودم را در موقعیت مصاحبه با کارشناسان کلاس جهانی دیدم ، که در تورهای کتاب خود بودند و از سانفرانسیسکو عبور می کردند با ۱۰.۰۰۰ نفر مستمعین برنامه. این به من اطمینان داد که یک برنامه تخصصی بین رشته ای منحصر به فرد و یکتا مربوط به فراروانشناسی در برکلی ایجاد کنم

(07:31)

بنابراین ، من از آن زمان به مدت طولانی است که پدیده های روانشناختی و شهود را مطالعه می کردم ، نزدیک به نیم قرن. اما نکته اصلی برای من درسی بود که از این تجربه گرفتم، این که وقتی می خواهید به بهترین نسخه از خود تبدیل شوید، به بالاترین مرحله از سرنوشت خود می رسید، ارتباط برقرار می کنید ، فرد واقعاً خوبی می شوید ، به انجام کارهای خیرخواهانه می پردازید ، بزرگی می کارید ، نور می گسترید – آن هنگام نیروهای نامرئی وجود دارند که می خواهند به شما در انجام این کار کمک کنند. و مطمئناً به من کمک کرده اند. انگار زندگی من از آن زمان آسان نشده است. مثل همه ما محاکمات و مصیبت ها را تجربه کرده ام. من به هیچ وجه خودم را مرشد نمی دانم. من علاقه ای ندارم که هیچ یک از شما مثل من باشید. من علاقه مند هستم که شما بیشتر مثل خودتان بشوید. و این همان است که سریال "در حضور" در مورد آن خواهد بود

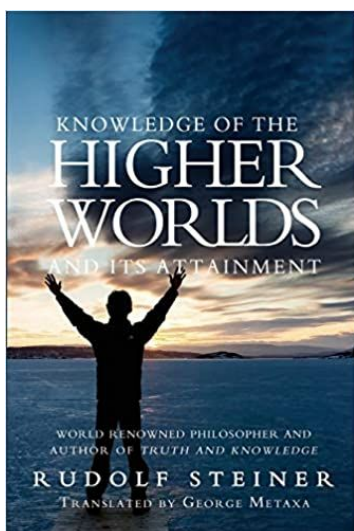
(08:41)

می خواهم شما را ترغیب کنم که به نیکی فکر کنید. می دانید ، کلمه "خوب" و کلمه "خدا" هر دو از یک ریشه انگلوساکسون گرفته شده اند. وقتی در مورد شهود ، توانایی های روحی روانی صحبت می کنم ، مانند دستیابی به قدرتهای خداگونه است، اما اگر بتوانم آن کلمه را ابداع کنم باید به بهترین و نیک ترین "راه" انجام شود

(09:13)

ببینید رودولف اشتاینر ، عارف بزرگ اتریشی برای من الهام بخش بود. او یک کتاب نوشت. او در سال 1925 درگذشت ، اما او کتابی نوشت به نام ، خوب او 200 کتاب نوشت ، یکی از آنها (دانش جهان های بالاتر و دستیابی به آن) نام گرفت. تقریباً از آغاز تلاش من برای من الهام بخش بوده است

(09:34)



یکی از مواردی که وی در کتاب ذکر کرد چنین بود، قبل از اینکه یک قدم واحد به سمت دانش یا قدرت بردارید دو قدم به سمت اخلاق بردارید. من فکر می کنم شما می توانید در زندگی مقدسین و سایر افراد خوب نیز مشاهده کنید که آنها با عملکرد روانی ، با حالات عرفانی کاملاً آشنا هستند. این یک امر طبیعی است. این هیچ ارتباطی با نفس آنها ندارد

(10:03)

من همچنین ادعا نمی کنم که دارای قدرت روحی-روانی بزرگی در ارتباط با نفس خود باشم. آنها آمده و می روند همانطور که می خواهند ، و من زندگی ام را می گذرانم. من صدها تجربه دارم ، اما من به مانند بسیاری از افرادی که با آنها کار می کنم و روانشناس حرفه ای نیز هستند و به طور مرتب این تجربه را دارند این کار را انجام نمی دهم. اما ، این من نیستم، من در خود تخصص روحی-روانی شگرفی نمی بینم. من خودم را کسی می دانم که بخت بزرگی داشته است که توانسته است مسیر زندگی خود را دنبال کند. تجربیات روانی عرفانی بخشی از آن مسیر بوده است ، بخشی بسیار مهم. و من فکر می کنم که آنها بخش مهمی از زندگی هر شخصی هستند ، زیرا این فقط بخشی ساده از آگاه بودن ، آگاهی داشتن و آگاهی است

(10:58)

خوب ، اکنون قصد دارم این برنامه افتتاحیه را به پایان برسانم. امیدوارم که بسیاری از شما نظر بدهید. من تمام تلاش خود را خواهم کرد تا به نظرات در مورد این فیلم ها پاسخ دهم. من انتظار دارم که این سریال طولانی باشد. امید من این است که این چیزی باشد که حتی الامکان روزمره باشد ، زیرا تلاش من در این زمینه نزدیک به نیم قرن است و مبحثی است که روزانه به آن مشغول بوده ام. این چیزی است که من معتقدم می توانم با شما به اشتراک بگذارم. ممنون که با من بودید

(Translation by: Ramin Ravansar)

New Thinking Allowed Foundation



**Supporting Conversations on the Leading Edge of Knowledge and Discovery
with Psychologist Jeffrey Mishlove**

Visit our [YouTube Channel](#) for More Videos